



فصلنامه چشم انداز شهرهای آینده

www.jvfc.ir

دوره اول، شماره سوم، پیاپی (۳)، پاییز ۱۳۹۹

صص ۳۰-۱۵

تحلیل عوامل موثر بر سرزندگی فضاهای شهری آینده جهت حضورپذیری زنان

حسین حاتمی نژاد، دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران،
نبی مرادپور، دانشجوی دکتری گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
مصطفی صفایی رینه*، دانشجوی دکتری گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران،

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

چکیده

فضاهای شهری، به دلیل ساختار کالبدی و کارکرد اجتماعی شان، مهم ترین وسیله در جهت تقویت جامعه ی مدنی به عنوان عرصه ی مشارکت تمامی گروه ها اعم از زنان و مردان هستند. سرزندگی فضاهای شهری از اهمیت بالایی برخوردار است؛ چرا که این فضاها، محلی برای برقراری روابط اجتماعی هستند و بخش مهمی از تجربه زندگی شهروندان را تشکیل می دهند. یکی از عواملی که بر سرزندگی فضاهای شهری آینده تاثیرگذار است حضور زنان در این گونه فضاها است. هدف این پژوهش، شناسایی عوامل موثر بر سرزندگی فضاهای شهری آینده جهت حضور بانوان در این فضاها است. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است. داده های مورد نیاز پژوهش با استفاده از ابزار پرسشنامه گردآوری شده است. جامعه آماری تحقیق شامل کارشناسان مرتبط با حوزه سرزندگی شهری و فضاهای شهری است که ۵۰ نفر به عنوان نمونه تحقیق به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPLS بهره گرفته شده است. نتایج پژوهش نشان دهنده آن است که شاخص های ایمنی و امنیت، دسترسی، تنوع و جذابیت، عدالت اجتماعی، کارآمدی فضا، کیفیت محیط، آسایش و راحتی، تعامل اجتماعی و حس مکان بر سرزندگی فضاهای شهری آینده جهت حضور فعال زنان موثر است. در بین شاخص های ذکر شده، کارآمدی فضا، تنوع و جذابیت و کیفیت محیط بیشترین تاثیر را بر حضورپذیری زنان در فضاهای شهری آینده دارند. الگوی ارائه شده در این پژوهش می تواند به عنوان یک مدل جهت سنجش سرزندگی فضاهای شهری آینده جهت حضور فعال بانوان در شهرهای کشور مورد استفاده قرار گیرد.

واژه گان کلیدی: سرزندگی، فضاهای شهری آینده، فضاهای سرزنده، SPLS

۱. مقدمه

فضای شهری بخشی از فضاهای باز عمومی شهرها هستند که به نوعی تبلور ماهیت زندگی جمعی می باشند (لینچ، ۱۳۸۳: ۱۰۸). فضای شهری محلی برای برخورد های اجتماعی و برقراری روابط اجتماعی است. تجربه و درک استفاده از فضاهای شهری تحت تاثیر عوامل متعددی قرار دارند. سن، جنسیت، فرهنگ، طبقه اجتماعی و... از جمله عوامل موثر بر تجربه استفاده از فضای شهری است. فضاهای شهری باید عدالت را در دسترسی و تامین خدمات مورد نیاز استفاده کنندگان فراهم سازد. در واقع نباید فراموش کرد که همه استفاده کنندگان از فضا حق دارند از آن لذت ببرند، نیازهای اجتماعی خود را در آن برآورده ساخته و همچنین حس جمعی بودن را در محیط تجربه نمایند (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۸). زنان به عنوان نیمی از جمعیت جهان که باید بهره مند از حقوق شهروندی به عنوان شهروند کامل باشند، لازم است در فضای شهری حضور یابند و هم اکنون ضرورت حضور آنان از سوی همگان پذیرفته شده است. بنابراین باید شناخت و درک نیازهای زنان از یک طرف و ایجاد حقوق مدنی و قانونی در رابطه با حضور آنها در فضای شهری به عنوان مهمترین اصل در طراحی و برنامه ریزی فضاهای عمومی شهری فارغ از بی عدالتی های جنسیتی و فضاهایی برای لذت تمام گروه های استفاده کننده مورد توجه قرار گیرد (محمدی، ۱۳۸۸: ۶۹). زنان بر ارتباط با مردم و سایرین بیشتر از انجام وظایف تأکید دارند و برای آن ارزش قائل هستند. چنین تفاوت های جنسیتی در نگرش های آنها از این ایده نشأت می گیرد که ارتباط زنان با جهان نوعی از ارتباط و اتصال است در حالی که مردان بر جدایی روابط تأکید دارند (مویدی، ۱۳۹۳).

تقریباً بیشتر فضاهای شهری در کشور ایران به طور ناخودآگاه انحصاری شده اند. یعنی تقریباً قشر اصلی استفاده کنندگان از فضا در حقیقت اکثراً مردان جوان تا میانسال و سالمند فرض می شوند و قشر زیادی که می توانند به سرزندگی فضاهای شهری کمک کنند، شامل

زنان، کودکان و سالمخوردگان و غیره جزو گروه های ویژه تلقی می شوند و متأسفانه همین تلقی ویژه از آنها باعث می شود به عنوان یک عضو اصلی و محوری به حساب نیایند. بنابراین به طور کلی همانگونه که فضاهای شهری می توانند با برنامه ریزی و طرح ریزی صحیح محل بروز و نمود فضایل انسانی باشند، از جهت دیگر نیز می توانند از طریق رهاشدگی و برنامه ریزی های نادرست و ساده انگارانه به مکان بروز انواع جرایم شهری تبدیل گردند. فضاهای بی دفاع شهری اصطلاح دیگری است که نیاز به تعریف دارد و اینگونه می توان گفت که عبارت است از «فضاهای شهری که نسبت به سایر فضاها قابلیت بیشتری برای وقوع جرایم و تخلفات و اعمال ناپهتجار دارند» (مظلوم خراسانی، اسمعیلی، ۱۳۸۹).

ساخت و ساز و برنامه ریزی های شهری نادرست استفاده اقشار مختلف جامعه از فضاهای شهری را تحت تاثیر قرار می دهد، به طوری که گاهی به خاطر نبود توجه کافی سالمندان، معلولان، کودکان و زنان از زندگی مطلوب شهری محروم می مانند. در این میان زنان به سبب محدودیت های اجتماعی و فرهنگی موجود در کشور ایران عمدتاً امکان بهره مندی از فضاهای شهری را ندارند. از سوی دیگر این فضاها عموماً فضاهایی مردانه بوده و به سبب ویژگی های کالبدی خود امکان حضوری ایمن را برای زنان را فراهم نمی سازند. در نتیجه عدم حضور زنان در فضاهای عمومی صرف نظر از کاهش پویایی و سرزندگی شهرها، تحرک، شادابی و سلامت زنان شهری مورد آسیب قرار می گیرد. (رضایی، ۱۳۹۳).

با وجود اینکه زنان نیمی از جمعیت شهرها را تشکیل می دهند، در برنامه ریزی، طراحی و ساخت فضاهای شهری به نیاز این گروه چندان توجه نشده است. به طور کلی زنان به واسطه ویژگی های خاص شخصیتی و نقش اجتماعی مراقبت از کودکان، کهنسالان و بیماران در ارتباط با فضای باز شهری نیازهای خاصی داشته که مستلزم رعایت و تامین نیازهای آن ها در فضاهای شهری است (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۸: ۱۱۴) و در

بالایی برخوردار است. به اعتقاد "الین" اگر مردم فضایی را به دلیل عدم راحتی یا ترس استفاده نکنند، عرصه عمومی از بین می رود. از آنجا که ما فضای عمومی را بر اساس امکان دسترسی نامحدود آن و وجود تعاملات متقابل اجتماعی تعریف می کنیم، نیاز به حضور در فضاهای عمومی برای همه گروه ها ضروری است و حضور زنان به عنوان گروهی اجتماعی و بهره مند از حقوق شهروندی در فضاهای عمومی نیز لازم و ضروری است و ایجاد هرگونه محدودیت در استفاده زنان از این فضاها می تواند مانعی بر سر راه سرزندگی فضاهای شهری محسوب شود (ورشوی، ۱۳۸۸). بنابراین حضور زنان در شهر و فضای شهری آینده در شهرهای ایران امری اجتنابناپذیر است.

فضای شهری بخشی از فضاهای باز عمومی شهرها هستند که به نوعی تبلور ماهیت زندگی جمعی می باشند. یعنی جایی که شهروندان در آن حضور دارند. فضای شهری صحنه ای است که داستان زندگی جمعی در آن گشوده می شود (لینچ، ۱۳۸۳: ۱۰). فضای شهری بستری است که فعالیت ها و رفتارهای انسانی در آن شکل می گیرند و روابط اجتماعی و فرهنگی انسان ها با هم در این عرصه اتفاق می افتد (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۸، ۱۰۶). فضای شهری، عنصر اصلی ساخت شهر است که با قلب و کانون راهبردهای اجتماعی مرتبط می شود (مدنی پور، ۱۳۸۴: ۶۷).

۲-۲. فضای عمومی

اصطلاح فضای عمومی برای توصیف آن دسته از فضاهایی از شهر مانند خیابان ها، پارک ها، میادین و ساختمان های عمومی که برای عموم آزاد بوده و برای همه قابل دسترس است، بکار می رود. این اصطلاح در تقابل با فضای خصوصی که دسترسی به آن محدود شده است، تعریف می شود. فضاهای عمومی قسمت های از یک دهکده، شهرک یا شهر بیان شده که در دسترس عموم بوده؛ مردم به صورت رایگان می توانند از آن ها استفاده کرده و لذت ببرند (حبیبی و علیپور شجاعی، ۱۳۹۳: ۱۸). از نظر کوان، در فضاهای عمومی، تمامی زمین ها باید برای همه مردم آماده، آزاد

صورت عدم توانایی فضا در پاسخگویی به نیاز همه ی گروه های استفاده کننده، نمی توان ادعا کرد که فضای مورد نظر فضای عمومی و همه شمول است. فضای شهری سرزنده و کارآمد، فضایی است که افراد با ویژگی های مختلف سنی و جنسی، بتوانند با حضور در این فضاها خواسته های خود را محقق سازند و این فضا آرامش و آسایش را برای استفاده کنندگانش فراهم آورد. از آنجا که زندگی روزمره در این فضاها صورت می گیرد لذا مناسب بودن آن برای تمام گروه ها به ویژه برای گروه های آسیب پذیر از جمله زنان اهمیت دارد، از این رو توجه به این افراد در یک فضای شهری اهمیت بسیاری دارد. با توجه به اهمیت مقوله فضا و سرزندگی آن و همچنین حضور زنان در فضاهای شهری پژوهش حاضر در پی این است که مولفه ها و شاخص های موثر بر سرزندگی فضاهای شهری برای حضور بانوان را شناسایی و سپس با ارزیابی این عوامل و شاخص ها میزان اهمیت و تاثیر هر شاخص در سرزندگی فضاهای شهری را مشخص کند تا در پایان یک چارچوب مفهومی از مقوله سرزندگی فضاهای شهری ارائه شود. این مدل ارائه شده به همراه شاخص های آن می تواند در پژوهش های آتی محققین مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۲. مبانی نظری

۲-۱. ضرورت حضور پذیری زنان در فضاهای

شهری آینده

زنان به عنوان نیمی از جمعیت جهان، باید از حق حضور در فضا بهره مند شوند. با در نظر گرفتن حقوق شهروندی کثرتگرا در جامعه مدنی امروز و رویکرد عدالت محور در برنامه ریزی و طراحی شهری، زنان نیز همانند مردان باید از شرایط برابر برای حضور در فضای شهری برخوردار باشند. زنان در جامعه امروز ایران وارد عرصه های مختلف علمی، فنی، سیاسی و... شده و حضور خود را در تمام عرصه ها به اثبات رسانده اند (رضازاده، بی تا: ۱). زنان، تاثیر گذارترین قشر بر سلامت و شادابی جامعه می باشند. از این رو، توجه به حضورپذیری آنان در فضاهای شهری آینده از اهمیت

و به طور قانونی و ۲۴ ساعته قابل دسترس باشد. همچنین به بیان کاترین شانفیلد چون کل زمانی که در خارج از خانه یا محل کار هستیم زمان عمومی است، لذا همه ی مقدمه مکان هایی که زمان عمومی در آن می گذرد، مکان عمومی تلقی می شود (Cowan, 2005: 312). این فضاها، تمام بخش های بافت شهری را که عموم مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند شامل می شود. بدین ترتیب خیابان ها، پارک ها و میداین شهرک یا شهر، ساختمان هایی که آن ها را محصور کرده و محدوده شان را مشخص می کنند، بخشی از فضاهای عمومی محسوب می شوند (تیبالدز، ۱۳۸۷: ۱۵).

۳-۲. زنان و فضاهای عمومی شهری

اهمیت فضاهای عمومی در زندگی ساکنان یک شهر از آن جهت است که استفاده از این فضاها، بخش مهمی از تجربه زندگی آنان در شهر را تشکیل می دهد؛ (بزی، رضایی، ۱۳۹۱: ۲۴) تجربه و درک استفاده از فضاهای شهری تحت تاثیر عوامل متعددی قرار دارند، سن، جنسیت، فرهنگ، طبقه اجتماعی و ... از جمله عوامل موثر بر تجربه استفاده از فضای شهری است (ضابطیان، خدائی، ۱۳۸۸: ۲). از آنجا که استفاده ی زنان از فضای عمومی و تجربه ی آن ها، موضوع بسیاری از تحقیقات اخیر بوده است (Day, 2000: 1). نتایج نشان می دهند که زنان و مردان ادراک و استفاده های متفاوتی از فضاهای عمومی دارند (حبیبی و علی پور شجاعی، ۱۳۹۳) اگرچه فضاهای عمومی به منظور استفاده ی عموم مردم فارغ از جنسیت، قوم و ... ایجاد می شوند، ولی زنان، دسترسی محدودتری نسبت به مردان به اینگونه فضاها داشته و برای مردان و حتی در مواردی به طور کامل از فضاهایی که عموماً حضور آنها آزاد است، طرد می شوند (Brady, 2005: 158). عوامل محدودکننده ای مانند خطر و ترس، از مهم ترین عناصر در تجربه زنان در فضای شهری بوده و استفاده ی آنان را محدود می نماید (مدنی پور، ۱۳۷۹: ۱۱). در نتیجه، زنان به واسطه ی وجود چنین مشکلاتی، دسترسی خود به فضای عمومی را محدود

می کنند (Rush, 2012: 9). در این زمینه پاول (۲۰۱۱) معتقد است که، زنان و مردان، فضا را به طور مشترک و عام و فضای عمومی را به طور خاص و متفاوت تجربه می کنند. وی این امر را تا حدودی ناشی از این می داند که ادراک و شناخت متفاوتشان از محیط که اساساً بر پایه ی هنجارهای اجتماعی- فرهنگی درگیر با آن، استوار است و اینکه آن ها در معرض دیدگاه های متفاوتی از مشروعیت های اجتماعی قرار دارند (Paul, 2011: 417). بر این اساس، فضاهای عمومی، معانی متعدد و متنوعی را با توجه به فعالیت های روزمره زنان و مردان به خود می گیرند (Garcia- Ramon: 2004). زنان همچون دیگر گروه های اجتماعی، با تداوم حضور در عرصه های عمومی و اجتماعی شهرها، شرایط سرزندگی، نشاط و پایداری هر چه بیشتر فضاهای شهری را فراهم می آورند. بنابراین یکی از مهم ترین دغدغه های طراحان امروز در خلق و ارتقا کیفیت عرصه- های عمومی، رسیدن به نوعی از فضاهای جمعی است که بتواند تعادلی پایدار میان حضور اقشار مختلف اجتماعی، و مشارکت و فعالیت آن ها در عرصه های عمومی شهری برقرار نماید (سیفایی، ۱۳۸۴: ۴۸).

۴-۲. تعریف مولفه ها و شاخص های موثر بر

حضورپذیری زنان و سرزندگی فضاهای

شهری آینده

ایمنی و امنیت: ایمنی و امنیت از شاخص های تعیین کننده برای ترغیب حضورپذیری زنان در شهر و فضاهای شهری می باشند. یک محیط امن به زنان اجازه می دهد به محیط و فضاهای شهری وارد شوند (Zakaria & Ujang, 2014).

زیبایی و جذابیت: پویا نمودن فضاهای شهری به ایجاد جنب و جوش در شهر کمک می نماید. این پویا بودن مسیرها و فضاها از دیدهای متفاوتی مانند، پویا نمودن بصری، پویا بودن از نظر کاربری ها و فعالیت ها و غیره مطرح می شوند. (معینی، ۱۳۹۰).

تعاملات اجتماعی: رابطه اجتماعی در فضا و زمان اتفاق می افتد. بنابراین فضا مجموعه ای از روابط

قاسمی اصفهانی، ۱۳۸۳: ۷۴). هویت مکانی به ابعادی از شخص اشاره می کند که هویت شخصی فرد در ارتباط با محیط فیزیکی توسط الگوی پیچیده ای از ایده-های آگاهانه و غیرآگاهانه، باورها، اولویت ها، احساسات، ارزش ها، اهداف، گرایش های رفتاری و مهارت های مرتبط با محیط را تعریف می کند (Proshunsky, 1978: 155) و نقش مهمی را در ادراک تغییرات محیطی و ادراک محیط های عمومی ایفا می کند. لذا هویت مکانی قوی و مثبت، ادراک منفی را از برخی مسایل محیطی کاهش داده و این موضوع به نوبه خود تأثیر جدی بر شکل گیری و افزایش احساس امنیت در محیط های شهری خواهد داشت. گوستاوسون نیز در مطالعه موضوع هویت مکانی، چهار عنصر «تمایز» (هدف مردم از استفاده از مکان)، «عزت نفس» (رضایت فردی برای تعلق در محیط فیزیکی و اجتماعی)، «اثربخشی» (عملکرد و نوع فعالیتی که در محیط فیزیکی انجام می شود) و «تداوم و پیوستگی» (آشنایی و تجربه شخصی فرد از محیط) را اساس شکل گیری این موضوع می داند (uzzell & Ross- Twigger, 1996).

دسترسی: قابلیت دسترسی، به توانایی رسیدن مطلوب به کالاها، خدمات، فعالیت ها و نقاط شهری بر می گردد (سیف الدینی و شورچه، ۱۳۹۳: ۶۲). اولین پیش شرط طراحی یک فضای خوب در شهر، امکان دسترسی به آن است (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۲۰). فرانسیس (۱۹۸۹) سه نوع دسترسی را مورد شناسایی قرار داده است که عبارتند از:

الف) دسترسی فیزیکی به فضای شهری؛ در مقابل دسترسی، موانع دسترسی نیز بایستی مورد توجه باشند. مانند در و دروازه ها، دیوارها، نرده ها و تغییر سطح (مانع دسترسی معلولان).

ب) دسترسی اجتماع؛ همه طبقات و لایه های اجتماعی بایستی قادر به استفاده از فضا باشند. ممنوعیت استفاده از فضا برای لایه ها یا طبقاتی از اجتماع، نوعی اعمال محرومیت اجتماعی شمرده می شود و از مطلوبیت فضا می کاهد.

اجتماعی میان گروه و مکان خاص را در بر می گیرد. نوع روابطی که در فضا برقرار می شود و شدت آن، به فضا معنی می دهد (طالبی، ۱۳۸۳). فضاهای عمومی شهری محل حضور همه شهروندان و مشارکت آنان در زندگی جمعی شان می باشد. این فضاها در مقیاس همه شهر عمل کرده و می بایست پذیرای گروه های مختلفی از شهروندان باشد (پاکزاد، ۱۳۸۶).

حس مکان: تجربه های مثبت و وقایع و رخدادهایی خاص و خاطرات، همگی در ایجاد تعلق مکانی مؤثرند. ارزیابی مثبت نیز در ایجاد تعلق مکانی تأثیر دارد (رضا زاده، ۱۳۸۰: ۶). البته تعلق و احساسات منبث شده از آن، بعد اجتماعی و بعد کالبدی دارد که فرآیندهای اجتماعی و ذهنی در ایجاد احساس تعلق بیش از کیفیات کالبدی تأثیرگذار است. توجه به داشتن تصویر ذهنی کامل از پدیده فضایی به منزله ادراک منطقی آن و در صورت استمرار، موجب احساس این همانی، و این همانی باعث احساس من و ما در محیط، احساس امنیت، آسودگی خاطر و اعتماد به نفس و تطبیق پذیری و سازگاری با فضاست (زادرفیعی، ۱۳۸۴: ۱۵). بنابراین با تقویت احساس تعلق شهروندان نسبت به فضاهای عمومی شهری، آنان این فضا را متعلق به خود دانسته و بدون احساس ترس، اضطراب یا خجالت از آن بهره برداری می نمایند.

عدالت اجتماعی: عدالت اجتماعی به طور کلی ایجاد یک جامعه عادلانه یا نهادی تعریف می شود که متکی بر اصول برابری و همبستگی و درک ارزش های حقوق بشر تلاش می کند و شأن و منزلت هر انسان را به رسمیت می شناسد (لطفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۰).

هویت مکان: هویت مکان در اثر تجربه مستقیم محیط فیزیکی شکل گرفته و ایجاد می شود. همچنین بازتابی از وجوه اجتماعی و فرهنگی مکان است (مویدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶۵) و به ویژگی های قابل تشخیص مکان بیرونی اشاره دارد؛ در حالی که «هویت مکانی»، احساسی در یک فرد یا جمع است که به واسطه ارتباطشان با یک مکان برانگیخته می شود

طور تمام و کمال است. عناصر تشکیل دهنده (طبیعت، فضای باز، زیر ساختها، محیط ساخته شده، امکانات و منابع محیط طبیعی) هر کدام دارای ویژگی های خاص خود و کیفیت نسبی هستند (Van Kamp et. al, 2003: 7). کیفیت محیط شهری جنبه ای از کیفیت زندگی است که در بر گیرنده احساس رفاه، آسایش و رضایت مردم از عوامل کالبدی- فضایی، اجتماعی- اقتصادی، زیست محیطی و سمبلیک محیط زندگی شان است (رفعیان و عسگری، ۱۳۸۶: ۹). در جدول شماره (۱) مهم ترین تعاریفات موجود در این زمینه ارائه گردیده است.

ج) دسترسی بصری؛ امکان دیده شدن فضا برای دسترسی بصری مطرح شده است (عباس زادگان، ۱۳۸۴: ۷۷).

راحتی و آسایش: فاصله و زمان، عوامل مهمی در اندازه گیری میزان آسایش و راحتی انسان ها به شمار می آید، چرا که بر اثر تامین آنها سهولت دسترسی به خدمات شهری که یکی از اهداف مهم برنامه ریزی شهری است میسر می شود (پورمحمدی، ۱۳۸۷: ۹۳).

کیفیت محیط: کیفیت محیط ناشی از کیفیت عناصر تشکیل دهنده یک منطقه اما چیزی بیشتر از مجموع عناصر آن است، کیفیت محیط ادراک مکان به

جدول ۱. تعریف کیفیت محیط از دیدگاه محققان و مجامع بین المللی

محقق	تعریف
Lansing and Marans (1969)	یک محیط با کیفیت بالا حسی از رفاه و رضایت را برای افراد از طریق شاخص های که ممکن است فیزیکی، اجتماعی و یا نمادین باشد به همراه دارد.
Porteous (1971)	کیفیت محیطی موضوع پیچیده ای است که در بردارنده ادراک انتزاعی، طرز تلقی و ارزش های است که در بین گروه ها و افراد متفاوت است
Campell and et al, (1976)	کیفیت محیط سکونت عبارت است از نمایش عددی شاخص های عینی و انتزاعی سکونت که از تفریق عددی در بردارنده اهمیت یک خانه ایده ال از عددی که شرایط فعلی خانه را نمایش می دهد، بدست می آید. ارزیابی شاخص های سکونت از فردی به فرد دیگر متفاوت است زیرا افراد مختلف پاسخهای متفاوتی از مقایسه بر مبنای درک واقعیت به بار می آورند.
RMB (1996)	کیفیت محیطی ناشی از کیفیت عناصر تشکیل دهنده یک منطقه اما چیزی بیشتر از مجموع عناصر است، کیفیت محیطی ادراک مکان به طور تمام و کمال است. عناصر تشکیل دهنده (طبیعت، فضای باز، زیرساختها، محیط ساخته شده، امکانات و منابع محیط طبیعی) هر کدام دارای ویژگیهای خاص خود و کیفیت نسبی هستند.
RIVM(2002)	کیفیت محیطی می تواند به عنوان بخش اصلی مفهوم وسیعتر "کیفیت زندگی" همانند کیفیت- های اصلی مانند سلامتی و امنیت در ترکیب با جنبه های همچون راحتی و جذابیت تعریف شود.

Reference: Van Kamp and et al, 2003: 7. Ha, 1989: 5.

به هدف های تعیین شده و مشخص (آقا بخشی، ۱۳۷۹: ۴۴۶) به طور کلی می توان گفت که هر اندازه مکان ها و فضاهای شهری، رضایت شهروندان و مجموعه کسانی را که با آن ها ارتباط دارند یا به آن مراجعه می کنند؛ جلب کنند کارآمد تلقی خواهد شد.

کارآمدی فضا: اصطلاح "کارآمدی" بیشتر در سه قلمرو مدیریت، اقتصاد و سیاست کاربرد دارد. و در حوزه برنامه ریزی شهری این اصطلاح به اثربخشی، پاسخگویی، کفایت، قابلیت، کارایی و ... معنا می شود. در تعریفی دیگر کارآمدی با کارایی مترادف گرفته شده و این گونه تعریف شده است: قابلیت و توانایی رسیدن

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است. بخشی از این تحقیق که مربوط به ادبیات موضوع است به روش توصیفی و بخش دیگر آن که مربوط به فعالیت‌های میدانی تحقیق است، به روش تحلیلی - پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق شامل کارشناسان مرتبط با حوزه سرزندگی شهری و فضاهای شهری است. روش نمونه‌گیری در این تحقیق نمونه‌گیری هدفمند، نظری یا قضاوتی بود است. ملاک انتخاب و گزینش در نمونه‌گیری هدفمند، بر پایه داوری و تخصص پژوهشگر است. در این روش با انتخاب آزمودنی‌ها بر اساس خصوصیات یا صفاتی خاص، افرادی را که واجد آن ملاک نیستند، حذف می‌شوند (دلاور، ۱۳۹۹). اندازه حجم نمونه تحقیق به نوع طرح، روش طرح، پیچیدگی طرح، محدودیت‌های زمانی، محدودیت‌های مالی و تحقیقات قبلی در آن زمینه بستگی دارد (دلاور، ۱۳۹۹). به دلیل اینکه حجم جامعه در این تحقیق همگون بوده و به عبارت دیگر واریانس

آن کم بوده است محققان به حجم نمونه ۵۰ نفر بسنده کرده‌اند. با توجه به اهداف تحقیق و بیان مسأله مطرح شده معیارها و شاخص‌های سرزندگی فضاهای شهری آینده برای حضور زنان از مبانی نظری و ادبیات پژوهش استخراج شد که عبارتند از: ایمنی و امنیت، دسترسی، تنوع و جذابیت، عدالت اجتماعی، کارآمدی فضا، کیفیت محیط، آسایش و راحتی، تعامل اجتماعی، هویت و حس مکان (جدول ۲). ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه بوده است که روایی آن توسط پانل متخصصان و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ ($\alpha=0/83$) تأیید شده است. به منظور بررسی عوامل موثر بر سرزندگی فضاهای شهری آینده جهت حضور بانوان، ۳۴ گویه مورد استفاده قرار گرفته است. در واقع ۳۴ گویه به پاسخ‌دهندگان ارائه شد تا آن‌ها را بر اساس میزان اهمیتی که بر سرزندگی فضاهای شهری آینده دارند، بین یک تا پنج امتیازدهی کنند. این گویه‌ها در چارچوب طیف لیکرت ۵ درجه‌ای اندازه‌گیری شده است. نمره یک، معرف کمترین اهمیت و نمره پنج، معرف بیشترین اهمیت بوده است. جهت تحلیل داده‌ها از نرم افزار smart PLS استفاده شده است.

جدول ۲. مولفه‌ها و شاخص‌های یک محیط سرزنده برای حضور زنان در فضاهای شهری

معیار	شاخص
ایمنی و امنیت	روشنایی مناسب فضا در شب
	رعایت هنجارهای اجتماعی و حفظ حریم شخصی در فضا
	میزان جرم و جنایت در فضا
	احساس ایمنی در هنگام حرکت (در مقابل گاری دستی، موتور، کالسکه و...)
دسترسی	وجود دید و نظارت مناسب (از طرف ساکنین و کسبه)
	دسترسی آسان به حمل و نقل عمومی (تاکسی، اتوبوس، مترو)
	دسترسی به پارک و فضای سبز عمومی
	دسترسی به مراکز خرید و فروشگاه‌ها
تنوع و جذابیت	دسترسی به امکانات بهداشتی - درمانی، رفاهی و تفریحی
	تنوع در چیدمان، نما (رنگ، مصالح) و کالبد (فرم) ساختمان‌ها در فضا
	طراحی و وجود مکان‌های فرهنگی و هنری در فضا
	وجود و تنوع در ارائه خدمات تجاری و تفریحی مانند خرده‌فروشی، رستوران و کافه تریا
	وجود دستفروشان و هنرمندان دوره‌گرد در محیط

دسترسی برابر به فرصت ها و موقعیت‌های اجتماعی	
حاکمیت قانون برای همه	
عدالت اجتماعی	برخورداری عادلانه از امنیت در مقابل تهدیدات فیزیکی، روحی و روانی
	برخورداری همه قومیت ها از نعمت‌های مادی و معنوی موجود در فضاهای شهری
	سرانه مناسب کاربری‌های شهری متناسب با میزان تراکم جمعیت
	وجود و تنوع فعالیت‌ها در ۲۴ ساعت
کارآمدی فضا	پاسخگویی فضا به تمامی نیازهای افراد
	مقرون به صرفه و قابل استطاعت برای تمام گروه‌های درآمدی
	فعالیت‌های ارائه شده برای تمام سنین
	برخورداری از فضای مناسب برای نشستن و استراحت
کیفیت محیط	برخورداری از فضای سبز مطلوب و چشم اندازهای متنوع
	خوانایی و وجود علائم راهنمایی
	بهداشت محیط (آلودگی هوا، صوتی، نوری و...)
	شناسایی آسان محیط و برقراری ارتباط با آن
آسایش و راحتی	راحتی جهت عبور معلولان و کهنسالان
	حفاظت در برابر شرایط نامناسب جوی (سایبان، حفاظ‌ها، فضای سرپوشیده)
	وجود امکانات رفاهی و خدماتی (مکان برای نشستن، روشنایی، سرویس بهداشتی)
	وجود فضاهای جمعی سرزنده جهت ملاقات و گذران اوقات فراغت
تعامل اجتماعی،	مشارکت و همکاری مردم در اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها
هویت و حس مکان	خود را به عنوان بخشی از فضا تلقی کردن و احساس اتصال به محیط و برقراری ارتباط
	حفظ و تقویت نقاط شاخص و خاطره‌انگیز در فضاهای شهری

۴. یافته‌های تحقیق

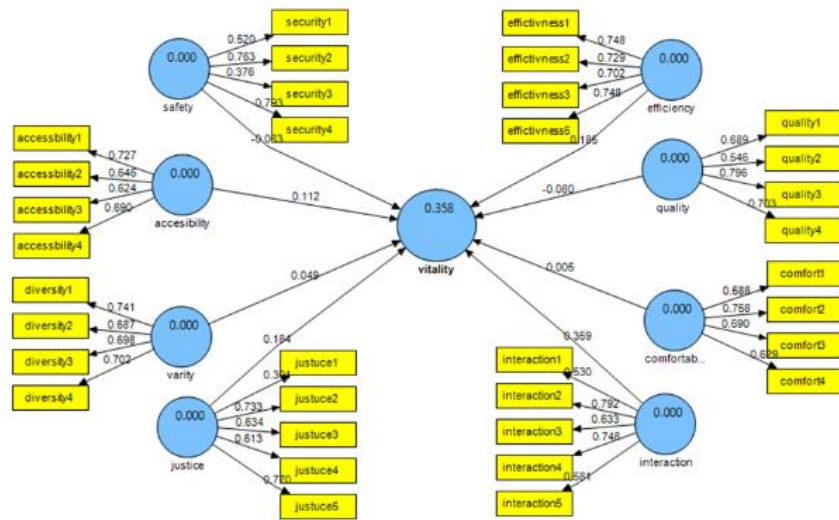
۴-۱. تحلیل عاملی مدل پژوهش

پرسشنامه پژوهش شامل ۳۴ سوال می باشد که به عنوان متغیرهای آشکار (نشانگرها) در نظر گرفته می شوند، همچنین مدل دارای دو سطح متغیر مکنون (پنهان) می باشد که در سطح اول متغیر سرزندگی فضاهای شهری می باشد. در سطح دوم مدل ۸ متغیر مکنون که عوامل موثر بر سرزندگی فضاهای شهری جهت حضور فعال زنان می باشند، به ترتیب زیر وجود دارد:

۴-۲. مدل ساختاری با PSL

برای تحلیل و سنجش مدل این پژوهش از تحلیل داده ها به وسیله مدل معادلات ساختاری استفاده شده است. در پژوهش هایی که هدف آزمون مدلی خاص از رابطه

بین متغیرهاست، از این روش استفاده می شود. مدل یابی معادلات ساختاری مدلی آماری برای بررسی روابط خطی بین متغیرهای مکنون (مشاهده نشده) و متغیرهای آشکار (مشاهده شده) است. به عبارت دیگر مدل یابی معادلات ساختاری تکنیک آماری قدرتمندی است که مدل اندازه گیری (تحلیل عاملی تاییدی) و مدل ساختاری (رگرسیون یا تحلیل مسیر) را با یک آزمون آماری همزمان ترکیب می کند. از طریق این فنون پژوهشگران می توانند ساختارهای فرضی را رد یا انطباق آنها را با داده ها تایید کنند (کفاش پور و همکاران، ۱۳۹۰). در روش مدل سازی معادلات ساختاری ابتدا به ساکن لازم است تا پایایی سازه ها، مورد مطالعه قرار بگیرد. در شکل ۱ مقادیر بار عاملی برای نشانگرهای هر سازه آورده شده است.



شکل ۱. الگوهای اندازه گیری مدل پژوهش (بار عاملی)

رو پايیای سازه که برای بررسی دقت و اهمیت نشانگرهای انتخاب شده برای اندازه گیری سازه ها انجام شد نشان می دهد ساختارهای عاملی مناسبی را جهت اندازه گیری ابعاد مورد مطالعه در مدل پژوهش فراهم می آورند.

در صورتی که نشانگرهای سازه های مورد مطالعه دارای بار عاملی کمتر از ۰/۳۵ باشند از اهمیت لازم برای اندازه گیری برخوردار نیستند و از این رو بایستی از فرایند تحلیل کنار گذاشته شوند و باقی نشانگرها در فرایند تحلیل وارد می شوند. در مدل پژوهش بار عاملی تمام متغیرهای آشکار بیشتر از مقدار ۰/۶ است از این

جدول ۳. نتایج کلی از تجزیه و تحلیل مدل پژوهش

شاخص	تعداد سؤالات	پایایی ترکیبی (CR)	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)
ایمنی و امنیت	۵	۰,۷۸۲	۰,۴۸
دسترسی	۴	۰,۸۰۸	۰,۷۳۲
تنوع و جذابیت	۴	۰,۸۰۰	۰,۵۰۲
عدالت اجتماعی	۵	۰,۷۸۶	۰,۵۶۴
کارآمدی فضا	۴	۰,۸۰۶	۰,۵۸۲
کیفیت محیط	۴	۰,۷۹	۰,۵۵۸
آسایش و راحتی	۴	۰,۸۳۴	۰,۵۰۲
تعامل اجتماعی و حس مکان	۴	۰,۷۸۶	۰,۵۶۴
سرزندگی فضا برای حضور بانوان	۳۴	۰,۸۰۶	۰,۵۸۲

نشانگر اعتبار مناسب ابزار اندازه گیری می باشد. البته مقادیر AVE اصولاً باید از مقدار ۰/۵ بیشتر باشد که نشانگر اعتبار بالای ابزار اندازه گیری باشد ولی تفاوت اندک ۰/۰۵ قابل اغماض می باشد (داوری و همکاران، ۱۳۹۲).

۱-۲-۴. روایی تشخیصی مدل اندازه گیری

برای بررسی روایی تشخیصی استفاده از ریشه دوم میانگین واریانس استخراج شده است. برای این منظور باید ریشه دوم میانگین واریانس استخراج شده از سایر همبستگی های سازه های دیگر با این سازه بیشتر باشد. این موضوع در جدول ۴ نشان داده شده است. نتایج بررسی روایی تشخیصی نشان می دهد تمام سازه ها به خوبی از هم تفکیک شده اند.

برای بررسی اعتبار مرکب هر یک از سازه ها همانطور که ذکر شد از ضریب دیلون - گلدشتاین استفاده می شود که در نرم افزار PLS با علامت CR مشخص می شود. در روش شناسی مدل معادلات ساختاری ضریب پایایی ترکیبی بالاتر از ۰/۷ برای هر سازه نشان دهنده پایایی مناسب آن می باشد. مقادیر این ضریب در جدول بالا مشخص گردیده است که در تمام موارد بیشتر از ۰/۷ می باشد. بنابراین سازه ها از پایایی ترکیبی مناسبی برخوردارند.

مقادیر میانگین واریانس استخراج شده AVE مربوط به سازه ها نیز در جدول ۳ گزارش شده اند که با آن می توان ملاک سوم همسانی درونی سازه ها را بررسی کرد. در جدول ۳ این مقادیر از ۰/۴۵ بیشتر است که

جدول ۴. بررسی مقادیر ریشه دوم میانگین واریانس استخراج شده با همبستگی ها

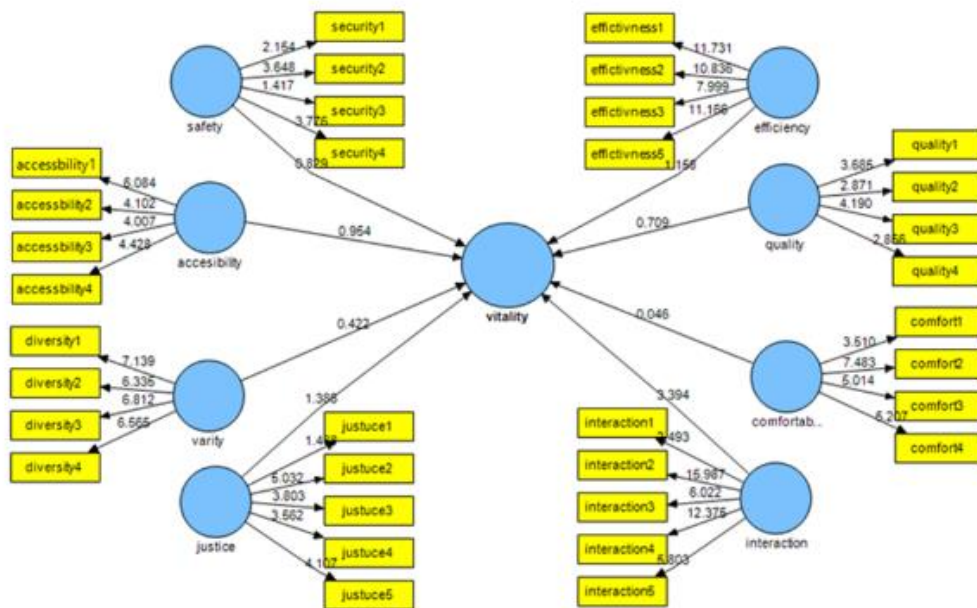
متغیر	ایمنی و امنیت	دسترسی	تنوع و جذابیت	عدالت اجتماعی	کارآمدی فضا	کیفیت محیط	آسایش و راحتی	تعامل اجتماعی و حس مکان
ایمنی و امنیت	۰/۷۵۸							
دسترسی	۰/۱۱۲	۰/۷۵۲						
تنوع و جذابیت	۰/۲۲۳	۰/۱۸۸	۰/۶۲۷					
عدالت اجتماعی	۰/۲۲۷	۰/۲۷۱	۰/۲۰۰	۰/۸۸۴				
کارآمدی فضا	۰/۱۷۱	۰/۲۷۰	۰/۱۲۲	۰/۴۳۸	۰/۸۶۸			
کیفیت محیط	۰/۱۴۱	۰/۲۶۴	۰/۴۲۶	۰/۴۶۳	۰/۲۴۰	۰/۶۴۷		
آسایش و راحتی	۰/۳۶۴	۰/۱۹۳	۰/۴۵۸	۰/۲۰۳	۰/۰۹۷	۰/۳۹۳	۰/۷۱۸	
تعامل اجتماعی و حس مکان	۰/۴۲۶	۰/۱۴۱	۰/۲۶۴	۰/۴۲۶	۰/۴۶۳	۰/۴۲۶	۰/۳۹۳	۰/۸۸۴

۴-۳-۱. برازش مدل ساختاری پژوهش

۴-۳-۱-۱. ضرایب معناداری

در این قسمت باید تمامی جهت های نشان داده شده در مدل (فرضیه ها) و روابط بین سازه ها با هم و یا روابط بین هر سازه با متغیرهای آشکار مربوط به خودش از لحاظ آماری معنی دار شوند. نرم افزار PLS بصورت پیش فرض روابط را در سطح اطمینان ۹۵٪

آزمون می-کند و چون مقدار t این سطح اطمینان برابر با ۱/۹۶ است، پس هر کدام از روابط که مقدار t برای آن خارج از بازه ی ۱/۹۶- تا ۱/۹۶+ باشد از لحاظ آماری در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تایید است. همان گونه که در مدل نشان داده شده، تنها دو گویه از مدل مورد قبول نیست و مقدار t آنها خارج از بازه ی مشخص شده نمی باشد (گویه اول عدالت اجتماعی و گویه سوم شاخص ایمنی و امنیت).



شکل ۲. ضرایب معناداری Z در مدل ساختاری

۴-۳-۳. معیار Redundancy

این معیار، از حاصلضرب مقادیر اشتراکی سازه های درونزا در مقدار R^2 آنها بدست می آید و نشانگر مقدار تغییر پذیری شاخص های یک سازه ی درونزا است که از یک یا چند سازه ی برونزا تاثیر می پذیرد. یک معیار مناسب برای سنجش برازش ساختاری مدل های معادلات ساختاری، مقدار میانگین Redundancy های مربوط به سازه های درونزا در مدل است. این معیار که با Red نشان داده می شود، از میانگین مقادیر Redundancy های مربوط به سازه های درونزا در مدل حاصل می شود. هرچه این مقدار به عدد ۱ نزدیک

۴-۳-۲. معیار R Squares یا R2

این مقدار برای تمامی سازه های درونزا (وابسته) مدل باید حساب شود که بیانگر مقدار واریانس تفسیر شده ی هر سازه، توسط سازه هایی که بر آن تاثیر می گذارند، است. سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ را به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی R^2 معرفی شده است. با توجه به مقدار R^2 برای سازه سرزندگی فضای شهری ۰/۷۲۶ است، نشان دهنده ی این است که مدل ساختاری پژوهش با یک سازه درونزای خیلی قوی از نظر معیار R^2 ، در مجموع دارای برازش قابل قبول است.

تر باشد، نشان از برازش مناسب بخش ساختاری مدل در تحقیق دارد.

جدول ۵. مربوط به مقادیر Commuality سازه درونزای مدل

سازه ی درونزا	Commuality
سرزندگی فضای شهری برای حضور بانوان	۰/۷۳۱

$$\text{Redundancy vitality} = \text{Commuality vitality} \times R^2_{\text{vitality}} = 0.731 \times 0.726 = 0.503$$

همانگونه که محاسبه شد مقدار GOF برابر با ۰/۶۰۴ است که مقدار مناسبی است و نشان از برازش خوب مدل ساختاری دارد، در نتیجه برازش کلی مدل نیز تایید می شود. همانطور که در جدول (۶) مشاهده می شود شاخص های برازش از مقدار مناسبی برخوردار می باشند. در این میان مهم ترین شاخص برازش در کار با نرم افزار PLS یعنی شاخص نیکویی برازش (GOF) از مقدار مناسبی برخوردار است که نشان از برازش خوب مدل مفهومی پژوهش است. البته لازم به ذکر است که سایر شاخص های نیز از برازش مناسبی برخوردار هستند.

۴-۳-۴. معیار برازش کلی (GOF)

در نهایت، بعد از محاسبه همه معیارهای برازش مدل های اندازه گیری و مدل ساختاری تحقیق باید برازش کلی مدل محاسبه شود. این معیار که با GOF نشان داده می شود، عددی بین صفر تا یک است و هرچه قدر به یک نزدیک تر باشد، حکایت از برازش کلی بالاتر مدل دارد. معیار GOF از جذر حاصلضرب مقادیر میانگین ضریب تعدیل و میانگین مقادیر Redundancy برای سازه های درونزای مدل بدست می آید. فرمول این معیار و محاسبات مربوط به آن در ادامه نشان داده شده است.

جدول ۶. شاخص های برازش مدل

شاخص برازندگی	دامنه قابل پذیرش	مقدار به دست آمده
R Squares یا R2	ضعیف = ۰/۱۹	۰/۷۲
	متوسط = ۰/۳۳	
	خوب = ۰/۶۷	
Redundancy	بیشتر از ۰/۴	۰/۵۰۳
	بیشتر از ۰/۵	۰/۶۰۴
GOF		

رتبه های بعدی قرار گرفته اند. در ارتباط با اهمیت شاخص کارآمدی فضا و تنوع و جذابیت می توان گفت که فضاهایی که کارایی لازم را نداشته باشند یا میزان تنوع و جذابیت فعالیت های که عرضه می کنند پایین باشد از استقبال عمومی برخوردار نخواهد شد حتی اگر فاصله تا این فضاها کمتر از ۵۰۰ متر باشد.

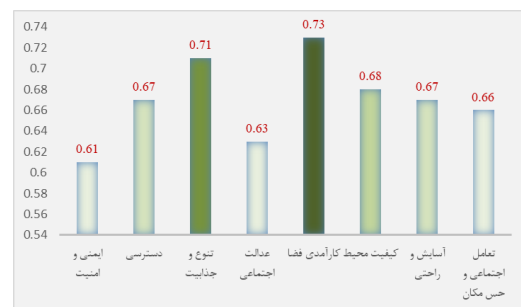
۵. اهمیت شاخص های موثر بر حضورپذیری زنان در فضاهای شهری آینده

برای حضورپذیری زنان در فضاهای شهری آینده از ۸ شاخص استفاده شده است. برای سنجش میزان اهمیت هر کدام از شاخص ها در حضورپذیری زنان در فضاهای شهری آینده بار عاملی آن ها محاسبه شده است که در این بین شاخص کارآمدی فضا بیشترین اهمیت و سپس شاخص های تنوع و جذابیت، کیفیت محیط آسایش و راحتی، دسترسی، تعامل اجتماعی و حس مکان، عدالت اجتماعی و در نهایت ایمنی و امنیت در

مکان با امتیاز ۰/۳۵۹ بیشترین بار عاملی را دارد، همچنین تمام سازه‌های این شاخص دارای بار عاملی بیشتر از ۰/۵ هستند. علاوه بر این میانگین واریانس استخراج شده نیز برای تمامی شاخص‌ها بالاتر از ۰/۵ بوده است که این امر نشان دهنده آن است که سازه‌ها از همسانی درونی خوبی برخوردار بوده اند؛ در این بین شاخص دسترسی با میانگین ۰/۷۳۲ بالاترین همسانی درونی و شاخص‌های ایمنی و امنیت با میانگین ۰/۴۸ پایین‌ترین همسانی درونی را را کسب کرده اند. معیار Redundancy مدل نیز ۰/۷۳۱ است و با توجه به اینکه هر چه این عدد به یک نزدیک تر باشد برازش مدل بهتر است پس می‌توان گفت که مدل پژوهش قابل قبول است. در انتها معیار برازش کلی هم مورد محاسبه قرار گرفت که ۰/۶۰۴ بدست آمده است. پس از تایید مدل و برازش آن، میزان اهمیت هر یک از شاخص‌های سرزندگی برای حضورپذیری زنان در فضاهای شهری آینده محاسبه شده که نتایج بیانگر آن است که شاخص‌های کارآمدی فضا، تنوع و جذابیت و کیفیت محیط بی‌شترین اهمیت و سپس شاخص‌های آسایش و راحتی، دسترسی، تعامل اجتماعی و حس مکان، عدالت اجتماعی و در نهایت ایمنی و امنیت در مرتبه‌های بعدی قرار دارند. مناسب سازی فضاهای عمومی شهری از جهت کالبد و جان فضا برای فراهم سازی زمینه‌های حضور زنان با تاکید بر چهار ویژگی مطلوبیت دسترسی، آسایش، استفاده و فعالیت‌ها و همچنین اجتماعی بودن صورت می‌گیرد. زنان در انتخاب فضاهای مورد استفاده بسیار نکته سنج و سختگیر بوده و به ویژه بر جنبه‌های امنیتی حضور در فضا متمرکز می‌شوند. بنابراین لازم است در هنگام برنامه ریزی و طراحی فضاهای شهری آینده به نیازهای همه گروه‌ها سنی و جنسی توجه شود و معیارها و شاخص‌هایی که تضمین کننده شکل‌گیری فضایی با کیفیت مطلوب و سرزنده هستند شناسایی و در برنامه ریزی و طراحی فضا به کار گرفته شوند. طراحی فضا به گونه‌ای که تامین کننده دید کافی بوده و نیز حضور افراد را تشویق نماید، می‌تواند راهکاری مناسب در برنامه ریزی شهری محسوب گردد. راهکار

جدول ۷. میزان اهمیت شاخص‌های سرزندگی برای حضورپذیری زنان در فضاهای شهری آینده

شاخص	وزن	رتبه
ایمنی و امنیت	۰/۶۱	۷
دسترسی	۰/۶۷	۴
تنوع و جذابیت	۰/۷۱	۲
عدالت اجتماعی	۰/۶۳	۶
کارآمدی فضا	۰/۷۳	۱
کیفیت محیط	۰/۶۸	۳
آسایش و راحتی	۰/۶۷	۴
تعامل اجتماعی و حس مکان	۰/۶۶	۵
سرزندگی فضا برای حضور بانوان	۰/۶۷	



شکل ۳. میزان اهمیت شاخص‌های سرزندگی برای حضورپذیری زنان در فضاهای شهری آینده

۶. نتیجه گیری

اهمیت فضاهای عمومی در زندگی ساکنان یک شهر از آن جهت است که استفاده از این فضاها، بخش مهمی از تجربه زندگی آنان در شهر را تشکیل می‌دهد. از آنجا که استفاده زنان از فضاهای عمومی و تجربه آنها موضوع بسیاری از تحقیقات اخیر بوده است به همین منظور در این پژوهش به حضور فعال زنان در فضاهای شهری آینده و عوامل ایجاد کننده محیطی سرزنده در فضای شهر برای حضور بانوان پرداخته شد و معیارها و شاخص‌های سرزندگی فضاها از منابع اسنادی و مصاحبه با خبرگان شناسایی و مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که شاخص حس

- دیگری که به ویژه در کشور ما مورد توجه قرار دارد، طراحی فضاهای شهری صرفاً برای استفاده زنان است که در حال حاضر عموماً به شکل بوستان نمود یافته است برای نمونه می توان به نخستین بوستان ویژه بانوان در شهر تهران (بوستان بهشت مادران در منطقه ۳ شهرداری تهران) که با هدف برطرف نمودن نیازهای حقیقی زنان (منطبق بر ارزش های دینی، اسلامی و فرهنگ بومی و ملی همراه با امنیت روانی، اجتماعی و فیزیکی آنان) و ایجاد فرصت-های تفریحی، ورزشی، آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و تامین سلامت جسمانی و روانی، پر نمودن اوقات فراغت بانوان و همچنین ارتقاء و بهینه سازی کیفیت زندگی فردی و خانوادگی از طریق شرکت در فضاهای جمعی و گروهی در سال ۱۳۸۷ به بهره برداری رسیده اشاره کرد.
- ۷. منابع**
۱. بخشی، علی (۱۳۷۹). فرهنگ علوم سیاسی، تهران، انتشارات چاپار.
 ۲. بزی، خدارحم؛ رضایی، بیت اله، (۱۳۹۱)، بررسی ساختارهای شهری مطلوب زنان با تاکید بر امنیت در شهر زابل، فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا، شماره پنجم، دانشگاه گلستان.
 ۳. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶)، مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، چاپ دوم، تهران، انتشارات شهیدی.
 ۴. پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۸۷)، برنامه ریزی کاربری اراضی شهری، انتشارات سمت.
 ۵. تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۷)، شهرسازی شهروندگرا: ارتقای عرصه های همگانی در شهرها و محیط های شهری، ترجمه ی محمد احمدی نژاد، نشرخاک، اصفهان.
 ۶. حبیبی، میترا، (۱۳۹۱)، کیفیت و تنوع فعالیت ها و تسهیلات در فضاهای عمومی و تاثیر آن بر حضور زنان با تاکید بر شهر تهران، کارگروه زنان و فضاهای عمومی شهری، شهرداری تهران، تهران.
 ۷. داوری، علی و رضازاده، آرش. (۱۳۹۲). مدل-سازی معادلات ساختاری با نرم افزار PLS، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
 ۸. دلاور، علی (۱۳۹۹)، روش تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی، نشر ویرایش.
 ۹. رضازاده، راضیه؛ محمدی، مریم (۱۳۸۸). بررسی عوامل محدود کننده حضور زنان در فضاهای شهری، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، شماره ۳۸، صص ۱۱۰۵-۱۱۴.
 ۱۰. رضازاده، راضیه (۱۳۸۰). بحران ادراکی - رفتاری در فضای شهری، مجله شهردار/ریها، سال دوم، شماره بیست و سوم.
 ۱۱. رضایی، سولماز (۱۳۹۳). مطلوب سازی فضاهای شهری برای حضور بانوان، منتشر شده گروه مدیریت شهری شهر آنلاین. <http://www.shoraonline.ir/News/12408.html>
 ۱۲. رفیعیان، مجتبی؛ عسگری، علی (۱۳۸۶). مفهوم و شیوه سنجش کیفیت محیط شهری، ارائه شده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران
 ۱۳. زاد رفیعی، ناصر (۱۳۸۴). فرآیند اجتماعی- فضایی هویت شهر، مجله آبادی، سال پانزدهم، شماره چهل و هشتم.
 ۱۴. سیف الدینی، فرانک؛ شورچه، محمود (۱۳۹۳). برنامه ریزی هوشمندانه کاربری زمین و حمل و نقل شهری (نگاهی دیالکتیکی و یکپارچه به فضای شهر)، انتشارات مدیران امروز.
 ۱۵. سیفایی، مهسا، (۱۳۸۴). مطلوبیت سنجی فضاهای عمومی شهری جهت استفاده گروه های خاص اجتماعی (زنان) در برنامه ریزی مشارکتی، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر مجتبی رفیعیان، دانشگاه تربیت مدرس

۱۶. ضابطیان، الهام؛ خدایی، زهرا، (۱۳۸۸). رویکرد مشارکتی و اجتماعی محور در ایجاد فضاهای امن شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره سوم
۱۷. طالبی، ژاله (۱۳۸۳). روابط اجتماعی در فضاهای شهری، دو فصلنامه مطالعات جامعه شناختی، شماره ۲۴.
۱۸. عباس زادگان، مصطفی (۱۳۸۴). ابعاد اجتماعی - روانشناختی فضاهای شهری، نشریه بین المللی مهندسی صنایع و مدیریت تولید (فارسی) (نشریه بین المللی علوم مهندسی)، دوره ۱۶، شماره ۱ (ویژه نامه معماری و شهرسازی).
۱۹. قاسمی اصفهانی، مروارید (۱۳۸۳)، اهل کجا هستیم؟ هویت بخشی به بافت‌های مسکونی، تهران، انتشارات روزنه.
۲۰. کفایش پور، آذر؛ فیض محمدی، شیرین. (۱۳۹۰). بررسی اثر تمایز و پرستیژ برند بر وفاداری مشتری به واسطه هویت یابی مشتری با برند (مورد مطالعه: مشتریان نمایندگی‌های تویوتا)، تحقیقات بازاریابی نوین. ۴ (۳): ۱۶-۱.
۲۱. کلانتری، علی (۱۳۸۲). مبنای نظری و عملی آمار در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: رشد.
۲۲. لینچ، کوین (۱۳۸۳). سیمای شهر. مترجم، منوچهر مزینی، چاپ ششم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. محمدی، مریم (۱۳۸۷). عدالت جنسیتی در طراحی فضاهای شهری با تأکید بر حضور زنان- نمونه موردی فضای محله ای چیدر، پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران.
۲۴. محمدی، مریم (۱۳۸۸). بررسی تأثیر الگوهای رفتاری بر میزان حضور و فعالیت در فضاهای شهری با تأکید بر حضور زنان، مجله آبادی، شماره ۶۳، ص ۶۸-۷۳.
۲۵. مدنی پور، علی (۱۳۸۴). طراحی فضاهای شهری- نگرشی به فرایند اجتماعی و مکانی، مترجم، فرهاد مرتضایی، چاپ دوم. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۲۶. معینی، سید محمد مهدی (۱۳۹۰). شهرهای پیاده‌مدار، انتشارات آذرخش.
۲۷. موسوی، میرنجف؛ مدیری، مهدی (۱۳۹۴). اولویت سنجی شاخص‌های عدالت اسلامی- ایرانی در تحقق آمایش سرزمین و توسعه متعادل در ایران، فصلنامه علمی پژوهش اطلاعات جغرافیایی، دوره ۲۴، شماره ۹۵.
۲۸. مویدی، محمد (۱۳۹۰). نقش فضاهای عمومی شهری در ارتقای سطح حضورپذیری زنان در محیط‌های شهری به منظور جلوگیری از ایجاد فضاهای تک جنسیتی، همایش زن معماری و شهر.
۲۹. مویدی، محمد؛ علی نژاد، منوچهر؛ نوایی، حسین (۱۳۹۲). بررسی نقش مؤلفه‌های منظر شهری در ارتقای سطح احساس امنیت در فضاهای عمومی شهری (نمونه مورد مطالعه، محله اوین تهران)، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳۵، صص ۱۵۹ الی ۱۹۱.
۳۰. ورشوی، سمیه (۱۳۸۸). امنیت زنان در فضای شهری، دفتر مطالعات اجتماعی شهرداری مشهد.
31. Brady, M. (2003). Safe spaces for adolescent girls. In *Adolescent and Youth Sexual and Reprod Health: Charting Directions for a Second Generation of Programming—Background Document for the Meeting* (pp. 155-176).
32. Cowan, Robert (2005). *The Dictionary of Urbanism*, Streetwise press.
33. Day, Kristen (2000). The Ethic of Care and Women's Experiences of Public Space, *Journal of Environmental Psychology*, No 20, pp 103-124.
34. Farrell, A. M., & Rudd, J. M. (2009). Factor analysis and discriminant

- validity: A brief review of some practical issues. Anzmac.
35. Garcia-Ramon, Maria Dolor's; Ortiz, Anna; Prats, Maria (2004). Urban planning, gender and the use of public space in a peripheral's neighborhoods of Barcelona, *Cities*, Vol. 21, No. 3, pp 215–223.
 36. Ha, Mikyoung (1989). The determinants of residential environmental qualities and satisfaction: Toward developing residential quality indices, *PhD-Thesis*, Oklahoma State University.
 37. Juriah Zakaria and Norsidah Ujang, (2014). Comfort of Walking in the City Center of Kuala Lumpur, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 170 (2015) 642 – 652.
 38. Kaltenborn, B.P. (1998). Effects of sense of place on responses to environmental impact: a case study among residents in an Arctic community, *Applied Geography*, 18(2): 169-189.
 39. Paul, Tanusree (2011). Space, Gender, and Fear of Crime: Some Explorations from Kolkata, *Gender, Technology and Development*, Vol15, No 3, pp 411–435.
 40. Proshunsky, M.H, (1978). The city and self – identity. *Environment Bihavior*. 10. 147-169.
 41. Rush, L. M. (2012). An autoethnography of Fuencarral 43: Women in masculine public space. *Journal for Undergraduate Ethnography*, 2(1), 15-27.
 42. Twigger-Ross, C. L., & Uzzell, D. L. (1996). Place and identity processes. *Journal of environmental psychology*, 16(3), 205-220.
 43. Van Kamp, Irene and et al (2003). Urban environmental quality and human well-being toward a conceptual framework and demarcation of concepts: a literature study, *Landscape and Urban Planning*, 65, pp. 5-18.